



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



حقیق مومون

شیخ الاسلام اقبال قادری صاحب مدظلہ العالی
علی باقر شیخانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه مودت: شیوه های ارتباط با اهل بیت علیهم السلام

نویسنده:

علی باقر شیخانی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

A series of horizontal dashed lines for writing or listing.



A series of horizontal dashed lines for writing, consisting of 30 lines spaced evenly down the page.

مشخصات کتاب

سرشناسه: شیخانی، علی باقر، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: صحیفه مودت: شیوه‌های ارتباط با اهل بیت علیهم السلام / علی باقر شیخانی؛ [برای] حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.
مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۹۵ص؛ ۱۱×۲۲ س.م.
شابک: ۶۵۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۲۲-۶
وضعیت فهرست نویسی: فاپا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۸۹] - ۹۵.
عنوان دیگر: شیوه‌های ارتباط با اهل بیت علیهم السلام.
موضوع: دوستی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: تولی و تبری
موضوع: چهارده معصوم
شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
رده بندی کنگره: BP۱۹۶/۶۵/ش ۸۶ ص ۳ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۵۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۲۸۲۳۶
ص: ۱

اشاره

دیباچه

عشق به اولیای خدا و ارتباط با آنها، تنها دلیل حیات و بالندگی دین و ایمان است. ایمان بدون این عشق و باورداشت، بی روح و بی مایه است.

عشق به اولیای خدا، نه اینکه از دین، بلکه تمام دین است. از این رو، لازم است این حقیقت را عینی و ملموس کرد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ

«و از آب همه چیز را حیات بخشیدیم.» (انبیاء: ۳۰) کویر خشکیده گزاف می گوید آن دم که دم از زندگی و شادابی می زند. یا معنای حیات را نمی داند و زندگی را نمی شناسد یا خود و دیگران را به سخره گرفته است. در حقیقت آن آب حیاتی که به جامعه طراوت و زندگی می دهد، عشق به اولیای خداست.

ممکن است بدون مودت این سرچشمه های حیات

کسانی زنده باشند، ولی زندگی نمی کنند. میان زنده بودن و زندگی کردن تفاوت بسیار است، کسی که مرگ مغزی شد، مشاعرش از کار افتاده است، دفنش نمی کنند ولی نمی گویند زندگی می کند. حیات بدون عشق به اولیای خدا هم نوعی ابتلا به مرگ مغزی است.

اثری که پیش رو دارید، اثری وزین از حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای علی باقرشیرازی است که شیوه‌های ارتباط با اهل بیت (ع) را جهت تحکیم رابطه حیات با حیات بخشان تبیین می کند. امیدواریم برای همه مطالعه کنندگان مفید واقع شود و روزی به کارمان آید که جز محبت و مودت اهل بیت (ع) پناهگاهی نخواهد بود.

انه ولی التوفیق

گروه اخلاق و اسرار

مرکز تحقیقات حج

پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الذين اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا
پيوند معنوی با ساحت مقدس انبيای الهی، به ویژه پیامبر خاتم(ص) و خاندان مطهرش و عشق آنان را در دل پروراندن و شمیم جان
را به بوی دلاویز آنان معطر ساختن، بسی ارزشمند است. خوشا ذکر و یادشان را زمزمه کردن، در داغ فراقشان اشک حسرت
فشاندن و سر بر آستان ارادت آنان ساییدن. چه زیباست مطیع امر و نهی آنان بودن، قلب و جان را به ضریح پاک آنان گره زدن،
در انتظار عصاره خلقت از میان آنان بودن و همه توان خود را برای یاری ایشان آماده نگاه داشتن و لحظه‌ای از اندیشه اصلاح خود و
جامعه، برای پیوستن به دادگستر جهان، خالی نبودن.
این امور، بسی دشوار و ارزشمند است و نیازمند

شناخت و پاسداشت، تا در این راه، به افراط و تفریط که دام شیطان است، گرفتار نیاییم که شناختن راه و راهبر، خود، بی‌راهه رفتن است.

آنچه در پی می‌آید، بررسی شیوه‌های ارتباط با اهل بیت (ع)، نتایج چنین ارتباطی، موانع و شناخت آسیب‌های این مسیر است. باشد که مقبول طبع رهروان مسیر الهی قرار گیرد.

فصل اول ارتباط عاطفی

اشاره

اولین پیوند و ارتباط با امامان معصوم (ع)، پیوند عاطفی با آنان است. از این رو، توضیحی کوتاه درباره این نوع ارتباط داده می شود. سپس به ضرورت ارتباط عاطفی، آثار و فواید، موانع و آسیب های آن خواهیم پرداخت.

۱. منظور از ارتباط عاطفی

از ویژگی های انسان در برابر دیگر جانداران، برخورداری از احساس و عاطفه است؛ بدین معنا که وی، در برابر رنجی که دیگران می برند، محزون می گردد و هنگامی که در دل دیگران شادی می آفریند، مسرور می گردد. این احساس نوع دوستانه، گاه آن چنان در انسان شدت می گیرد که به سرحد عشق می رسد. از این رو، مقصود از پیوند عاطفی در اینجا، دوست داشتن و عشق

ورزیدن به پاکان امت است؛ همان عشق و محبتی که خداوند در آیات قرآن، پیامبر و اهل بیت او را به جهت برخورداری از آن ستوده است و درباره رسولش می‌فرماید:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (التوبه: ۱۲۸)

قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز و مهربان است.

و همچنین به سبب ایشاری که اهل بیت رسولش (ع) در بخشش مال به بیچاره و یتیم و اسیر نمودند و خود سه شبانه‌روز چیزی نخوردند، آنان را مورد تمجید قرار داده، می‌فرماید:

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (۸)
إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (۹)

الإنسان ۸، ۹

و غذای [خود] را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند و می‌گویند: ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.
و در مقابل، از مردم نیز خواسته است که با پیامبر (ص)

که این چنین به آنان عشق می‌ورزد و تاب تحمل رنج‌های آنان را ندارد عشق بورزند و پیوند عاطفی با او و خاندانش برقرار نمایند. از این رو، خداوند به پیامبر خاتم (ص) وحی کرد که به مردم بگوید:

اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتي که از کساد شدنش می‌ترسید و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار این باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند. (۱)

در این آیه، خداوند به کسانی که عشق و علاقه به زن، فرزند، پدر، برادر، مال و زندگی را بر عشق و علاقه به خدا و رسولش ترجیح می‌دهند، وعده عذاب داده است؛ یعنی عشق و علاقه به خدا و رسول بر همه چیز برتری دارد. در آیه‌ای دیگر، خداوند آشکارا عشق و مودت نسبت به خاندان پیامبر (ص) را مزد رسالت دانسته است:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي السُّورَى، ۲۳

[ای پیامبر] بگو: من هیچ پاداشی از شما برانجام

رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز اینکه نزدیکانم [اهل بیت] را دوست بدارید.

ابن عباس می‌گوید:

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَرَابَتِكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ فَقَالَ عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهُمْ. (۱)

هنگامی که این آیه نازل شد، از پیامبر (ص) پرسیدند: نزدیکان که مودت و محبت آنان بر ما واجب شده است، چه کسانی هستند؟ فرمود: علی، فاطمه و دو فرزند آنان.

در جای دیگر رسول خدا (ص) فرمود: «اولین چیزی که [در روز قیامت] از بنده می‌پرسند، دوستی ما اهل بیت است». (۲)

همچنین فرمود:

هیچ بنده‌ای ایمان [واقعی] ندارد، مگر اینکه من نزد او از خودش محبوب‌تر باشم و فرزندانم در نزدش

۱- جارالله زمخشری، تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۲۰؛ محمد بن عمر فخر رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۱۶۸؛ رشید الدین ابوالفضل میبیدی، تفسیر کشف الاسرار، ج ۹، ص ۲۳؛ صدیق حسن خان قنوجی، تفسیر فتح البیان، ج ۸، ص ۳۱۱؛ محمد بن محمد ابی السعود، تفسیر ارشاد عقل السلیم، ج ۶، ص ۱۶؛ اسماعیل حقی برسوی، تفسیر روح البیان، ج ۸، ص ۳۱۱؛ تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۱۵.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۶۰.

از فرزندان او و عترتم از عترتش و شخص من از خود او در نزدش محبوب تر باشد. (۱)

۲. راه‌های ایجاد و تقویت ارتباط عاطفی

اشاره

ارتباط عاطفی با امامان معصوم و تقویت عشق و محبت نسبت به آنان راه‌های متعددی دارد؛ از جمله:

الف) شناخت امامان معصوم (ع)

از راه‌های تقویت پیوند عاطفی با پیامبر و اهل بیت پاک او (ع)، آشنایی با سیره و شخصیت آنان است و بدون چنین معرفتی، عشق و محبتی پدید نمی‌آید. بنابراین، اگر از عشق و محبت به امامان معصوم (ع) سخن به میان می‌آید، منظور عشق همراه با معرفت است؛ زیرا این نوع پیوند، ماندگار و بر سراسر وجود عاشق تأثیرگذار خواهد بود و نقش بسیاری در سازندگی و تعالی اخلاق و رفتار او دارد و گرنه محبت‌ورزی بدون شناخت امکان ندارد همان‌گونه که گفته‌اند:

«الْمَحَبَّةُ ثَمَرَةُ الْمَعْرِفَةِ لِأَنَّ مَنْ لَا يَعْرِفُ لَا يُحِبُّ» (۲)

؛ «محبت میوه شناخت است و کسی که شناخت ندارد محبت نخواهد داشت».

و همچنین گفته‌اند: خضوع و اطاعت صمیمانه و

۱- محمد محمدی ری‌شهری، اهل البیت فی الکتاب والسنه، ص ۴۰۲.

۲- غلامحسین ابراهیمی دینانی، دفتر عقل و آیت عشق، ج ۳، ص ۳۹.

خالصانه و صادقانه، لازمه محبت است و عشق حقیقی، زاده عرفان کامل است و عرفان کامل، نتیجه اندیشه درست است. (۱)

مقصود از این معرفت، شناخت شناسنامه‌ای نیست، بلکه مراد، پی‌بردن به شخصیت والای آنان نزد خداوند و شناخت حقوق آنان و وظایف خود در برابر آنان و همچنین شناخت فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و تلاش آنان برای اعتلای مکتب و خدمت به خلق خداست. چنین شناختی است که سبب عشق و علاقه به آنان شده و زمینه همسو شدن با آنان در جهت فداکاری برای مکتب را فراهم می‌آورد.

ب) نام امامان معصوم (ع) الگوی نام‌گذاری‌ها

هرگاه کسی به دیگری، بسیار علاقه‌مند باشد، بر آن خواهد بود که با کوچک‌ترین بهانه‌ای نام او را بر زبان جاری سازد؛ زیرا عاشق حتی از نام معشوق نیز لذت می‌برد. از این رو، انسان‌ها، مکان‌ها و مراکز مهم را به نام شخصیت‌های محبوب نام‌گذاری می‌کنند تا نام و یاد شخصیت مورد نظر، همواره ماندگار باشد. به همین جهت، یکی از راه‌های ابراز علاقه به ائمه اطهار(ع)،

ص: ۱۷

برگزیدن نام فرزندان از میان نام‌ها، القاب و کنیه آنان می‌باشد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ أَسْمَاءَ الْأَنْبِيَاءِ» (۱)؛

«فرزندان خود را به اسم پیامبران، نام‌گذاری کنید».

ربعی بن عبدالله می‌گوید: شخصی به امام صادق (ع) عرض کرد: فدایت شوم، ما فرزندان خود را به اسامی شما و پدرانتان نام‌گذاری می‌کنیم، آیا چنین کاری فایده‌ای برای ما دارد؟ حضرت فرمود: آری، به خدا قسم، مگر دین، چیزی غیر از حب و دوستی است؟! آن‌گاه امام به آیه شریفه استشهاد کردند:

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

آل عمران، ۳۱

بگو اگر خدای را دوست دارید، از من اطاعت کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد. (۲)

امام حسین (ع) به پدرش، امیرمؤمنان علی (ع) علاقه بسیار داشت. از این رو، همه فرزندان پسر خود را علی نام نهاد. امام سجاد (ع) در این باره می‌فرماید:

پس از آنکه معاویه، مروان بن حکم را حاکم مدینه

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۲.

۲- همان، ص ۱۳۰.

کرد، نزد وی رفتم. به من گفت: اسم تو چیست؟ گفتم: علی بن حسین، پرسید: اسم برادرت چیست؟ گفتم: علی. پرسید: دو اسم به نام علی؟ پدرت هیچ یک از فرزندان را رها ننمود مگر اینکه اسم علی را بر آنان گذاشت. نزد پدرم برگشتم و سخن وی را برای پدرم بازگو کردم ایشان فرمود: وای به حال پسر زن کبودچشم (مروان)! اگر برای من صد پسر بود، دوست داشتم آنان را جز علی ننامم. (۱)

ج) هدیه دادن در راه امامان معصوم (ع)

یکی دیگر از راه‌های ابراز علاقه و پیوند عاطفی با امامان معصوم (ع)، فرستادن هدیه برای آنهاست و بهترین هدیه برای انبیای الهی، به ویژه آخرین پیامبر (ص) و فرزندان پاکش، فرستادن درود و صلوات بر آنان است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر کجای زمین هستید بر من صلوات بفرستید؛ زیرا صلوات شما به من رسانده می‌شود». (۲)

د) دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان معصومان (ع)

کسی که به دیگری علاقه‌مند است، همواره در پی خشود کردن اوست و سعی می‌کند کار دلخواه او را انجام

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۱۹، ح ۷.

۲- رشیدین ابوالفضل میبدی، تفسیر کشف الاسرار، ج ۸، ص ۸۵.

دهد و از کاری که او خوش ندارد، پرهیز کند. دوستان او را دوست دارد و از دشمنانش بیزار است. دوستی با اهل بیت(ع) نیز چنین است؛ یعنی لازم است برای پیوند دوستی، خود را از پلیدی‌ها پاک کرد و با دوستان آن‌ها دوستی و از دشمنانشان بیزاری جست.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «کسی که دوستان ما را دوست بدارد، ما را دوست داشته است».^(۱)

امیرمؤمنان علی(ع) نیز می‌فرماید:

دوستی ما با دوست داشتن دشمن ما، در دل یک انسان یکجا جمع نمی‌شود؛ زیرا خداوند در باطن هر کس دو قلب نهاده است. از این‌رو، وقتی این را دوست داشت، مخالفش را دشمن می‌دارد. بنابراین دوستان ما، در محبت به ما، اخلاص دارند و چیزی با آن آمیخته نیست. همچنان که طلا با آتش خالص می‌گردد و چیزی با آن آمیخته نیست. پس اگر کسی می‌خواهد بداند که آیا تنها ما را دوست دارد، قلبش را بیازماید. اگر در محبت‌ورزی، دشمنان ما نیز سهمی از حبّ وی می‌برند، بدانند او از ما نیست و ما از او

نیستیم.^(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۴.

۲- اهل البيت في الكتاب و السنة، ص ۴۱۴.

در زیارت نامه آنان می خوانیم:

من، شما و دوستدارانتان را دوست دارم و با دشمنان شما دشمنی دارم و با آنها عداوت می ورزم. هر کسی که تسلیم امر شماست، با او در مسالمت خواهم بود و کسی که به جنگ شما برخیزد با او در جنگ خواهم بود. (۱)

چنین ابراز دوستی و دشمنی پیروی از سنت رسول خدا است؛ زیرا در روایت آمده است:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَقَالَ: أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ سَلِّمْ لِمَنْ سَلَّمَكُمْ. (۲)

رسول خدا(ص) به علی و فاطمه و حسن و حسین نگریست و فرمود: من با کسی که به جنگ شما برخیزد در جنگ خواهم بود و هر کسی که تسلیم امر شماست، با او در مسالمت خواهم بود.

ه) شرکت در مجالس منسوب به اهل بیت (ع)

همانند بودن محب با محبوب، از مهم ترین نشانه های محبت است. عاشق واقعی هر گاه معشوقش

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، ص ۹۰۴.

۲- نور الدین علی هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۹.

را در سختی ببیند، رنج می برد. اگر خاری در دست او فرو رود، گویی بر چشم وی فرو نشسته است و هرگاه او را در شادی ببیند، شاد می گردد. امام صادق (ع) شیعیان واقعی اهل بیت (ع) را چنین توصیف کرده است:

شیعیان ما هم چون جزئی از خود مایند که از طینت ما آفریده شده اند. بدین جهت، آن چه سبب اندوه و غم ما گردیده، آنان را غمگین کرده و آنچه ما را خوشحال کند، موجب خوشحالی آنان است. (۱)

به همین جهت است که بر سوگواری در عزای آنان به ویژه امام حسین (ع) تأکید فراوان شده است.

امام صادق (ع) می فرماید:

مَنْ انْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ (ع) بَيْتاً مِنْ شِعْرِ فَبَكَى وَ ابْكِي عَشْرَةَ فَلَهُ وَ لَهُمُ الْجَنَّةُ فَلَمْ يَزَلْ حَتَّى قَالَ وَ مَنْ انْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ (ع) شِعْرًا فَبَكَى وَ اظُنُّهُ قَالَ اَوْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ. (۲)

کسی که درباره حسین (ع) یک بیت شعر بسراید و خود بگرید و ده نفر را بگریاند، بهشت بر همه آنان واجب می گردد تا آنجا که امام صادق (ع) فرمود:

۱- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۴.

۲- محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال، ص ۸۵.

حتی اگر بگرید یا خود را به گریستن بزند، بهشت بر او واجب می‌گردد.

۳. آثار و نتایج ارتباط عاطفی

اشاره

ارتباط عاطفی با پاکان، به ویژه خاندان پاک پیامبر(ص)، آثار بسیاری در بردارد که به خود محب برمی‌گردد. از این رو، خداوند از سویی به پیامبر دستور می‌دهد به مردم بگوید که مزد رسالتش دوستی خاندان من است از سوی دیگر به پیامبر می‌فرماید به آنان بگوید که سود این دوست داشتن به خود آنان می‌رسد:

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ سِيبًا، ۴۷

بگو آنچه از اجر که از شما خواستم به سود خودتان است و گرنه مزد من بر خداوند است.

اکنون با شمردن برخی از این نتایج، به توضیح آنها می‌پردازیم:

الف) رشد و تربیت فرد

از فواید دوستی با اهل بیت(ع)، گام برداشتن در مسیر آنان و در نتیجه، رسیدن به رشد و کمال است؛ زیرا آنان در رفتار و گفتار، آینه تمام‌نمای حق هستند. استاد مطهری در این باره می‌نویسند:

محبت به سوی مشابهت و مشاکلت می‌راند و قدرت آن سبب می‌شود که محب به شکل محبوب درآید. محبت مانند سیم برقی است که از وجود محبوب به محب وصل گردد و صفات محبوب را به وی منتقل سازد. (۱) از این رو، محبت پیغمبر و محبت امیرالمؤمنین و محبت هر کاملی، بزرگ‌ترین عامل اصلاح و تربیت انسان است. فلسفه محبت اولیا این است. (۲)

(ب) تحولات اجتماعی

پیوند عاطفی با اهل بیت (ع) و حرکت‌های اجتماعی آنان، به ویژه پیوند با قیام امام حسین (ع) در برابر جور و ستم یزید و آشنایی با واقعه جانسوز عاشورا، در طول تاریخ همواره عامل خیزش پیروان او علیه طاغوت‌ها و ستمگران بوده است. برای مثال، قیام‌های توابین، مختار، زید شهید، سربداران و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و استقامت مردم مظلوم لبنان به رهبری حزب‌الله در برابر اشغالگران صهیونیست را می‌توان نمونه‌ای از این نوع تأثیرپذیری دانست. امام خمینی (ره) در این باره

۱- مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی (ع)، ص ۶۶.

۲- تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۹۱.

تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. (۱)

ج) ماندگاری مذهب و مکتب

ارتباط عاطفی و عاشقانه با پیشوایانی که همه هستی خود را در راه اعتلای مکتب نثار کردند، روحیه فداکاری و ایثار را در پیروان زنده می‌کند، تا بدان‌جا که از جانفشانی در راه مذهب دریغ نمی‌ورزند. امام خمینی در این باره می‌فرماید: باید محرم و صفر را به ذکر مصائب اهل بیت (ع) زنده نگه داریم که با ذکر مصائب اهل بیت (ع) این مذهب تا حالا زنده مانده است. (۲)

شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

هر مکتبی اگر چاشنی از عاطفه نداشته باشد و صرفاً مکتب و فلسفه و فکر باشد، آن‌قدرها در روح‌ها نفوذ ندارد و شانس بقا ندارد، ولی اگر

۱- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۶۰.

۲- همان، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

ك مکتب، چاشنی از عاطفه داشته باشد این عاطفه به آن حرارت می دهد. معنا و فلسفه يك مکتب، آن مکتب را روشن می کند، به آن مکتب منطق می دهد، آن مکتب را منطقی می کند. بدون شك، مکتب امام حسین منطق و فلسفه دارد، درس است و باید آموخت. اما اگر ما دائماً این مکتب را صرفاً به صورت يك مکتب فکری بازگو کنیم، حرارت و جوشش آن گرفته می شود و کهنه می گردد... چاشنی عاطفی، ذکر مصیبت حسین بن علی (ع) یا امیرالمؤمنین یا امام حسن یا ائمه دیگر (ع) و یا حضرت زهرا (س) است، این چاشنی عاطفه را ما باید حفظ و نگهداری کنیم. (۱)

د) اطاعت و پیروی

کسی در ادعای عشق و علاقه صادق است که گفتار او، با کردارش هماهنگ باشد، و گرنه ادعای صرف راه به جایی نمی برد. امام صادق (ع) درباره مدعیان دوستی حضرت حق (جل و علا) فرمود:

۱- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۵۷.

تَعْصَى الْإِلَهَ وَ أَنْتَ تُظَهِّرُ حُبَّهُ هَذَا مُحَالٌ فِي الْفِعَالِ بَدِيعٌ

لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يُحِبُّ مُطِيعٌ (۱)

خداوند را نافرمانی می کنی و اظهار دوستی اش می نمایی؟! چنین چیزی (جمع میان حب و سرپیچی) محال است و رفتاری شگفت است. اگر دوستی ات راستین بود، اطاعتش می کردی؛ زیرا که دوستدار، مطیع کسی است که او را دوست می دارد.

امام باقر(ع) به جابر چنین فرمود:

ای جابر! آیا برای کسی که ادعای تشیع و پیروی ما را دارد، همین اندازه بس است که تنها از محبت ما اهل بیت دم زند؟ به خدا سوگند شیعه ما نیست جز آن کسی که از خدا پروا نماید و او را اطاعت کند و جز به فروتنی و خشوع و امانت و ذکر فراوان خدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و مراعات همسایگان فقیر و مستمند و قرض داران و یتیمان و راستی گفتار و تلاوت قرآن و بازداشتن زیان از مردم و جز به نیکی به آنها و امانت داری در طایفه شناخته نشود.

جابر گفت: «ای پسر رسول خدا(ص) ما امروز کسی را

که دارای چنین صفاتی باشد، نمی‌شناسیم».

امام (ع) فرمود:

ای جابر! اندیشه‌ها و افکار گوناگون، تو را نفریبند. از تو پرسشی دارم: آیا برای یک شخص کافی است که فقط بگوید که من علی (ع) را دوست دارم و از او پیروی می‌کنم، ولی به همراه این ادعا فعالیت دینی ننماید؟ و اگر بگوید من رسول خدا (ص) را دوست دارم (با اینکه رسول خدا (ص) بهتر از علی (ع) است) ولی از او پیروی ننماید و به سنتش عمل نکند، محبتش به پیغمبر به او هیچ سودی ندهد. بنابراین از خدا پروا کنید و برای آنچه در نزد خداست عمل نیک کنید. خدا با هیچ کس خویشاوندی ندارد و محبوب‌ترین بندگان خدای عزوجل، کسی است که با تقواترین و مطیع‌ترین آنها باشد. ای جابر! جز با اطاعت از خدای تعالی نمی‌توان به او تقرب جست و همراهی ما، برات آزادی از دوزخ نیست و هیچ کس بر خدا حجت ندارد. هر که مطیع خدا باشد، دوست ماست و هر کسی که نافرمانی خدا کند، دشمن ماست. ولایت ما جز با ورع به دست نمی‌آید. (۱)

ه) آرامش روحی و روانی

تصور مصائبی که اهل بیت(ع) در راه خدا متحمل شدند، سایر مصائب را ناچیز و اندک و تحمل آنها را آسان می‌سازد. چه بسیار افراد داغدار و مصیبت‌دیده‌ای که در نتیجه پیوند عاطفی(با یاد مصائب اهل بیت(ع)) بر دل ریش خود مرهمی نهادند و داغ فرزندی را که در راه حق نثار کرده بودند، به جان خریدند، تا جایی که در اوج فشار روحی ناشی از مرگ عزیز خود، به یاد صبر امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) در واقعه کربلا، آلام روحی آنان به آرامش گرایید. چه بسیار مبارزانی که زندان‌های طاقت‌فرسا را به یاد زندانی بغداد، امام موسی کاظم(ع) تحمل کردند.

و) شفاعت

عشق به امامان معصوم(ع) افزون بر نتایج دنیوی، آثار اخروی در پی دارد. رسول خدا(ص) در روایتی، آثار محبت به خود و اهل بیتش را چنین بیان می‌کند:

دوستی من و اهل بیتم در هفت موقعیت که هول و هراسش عظیم است سودمند است: هنگام جان‌سپاری، ورود به قبر، برانگیخته شدن از قبر، هنگام حساب‌رسی [اعمال انسان]، وقتی که کتاب

[اعمال] را به دست انسان‌ها می‌دهند، هنگامی که در نزد میزان [اعمال] قرار می‌گیرند و لحظه عبور از [پل] صراط. پس کسی که مرا و اهل بیت را دوست بدارد و پس از من به آنان تمسک جوید، ما در روز قیامت از وی شفاعت خواهیم کرد. (۱)

۴. آسیب‌شناسی ارتباط عاطفی

اشاره

عشق به امامان معصوم (ع) در صورتی مؤثر است که از آفت‌های زیر به دور باشد:

الف) غلو و گزافه‌گویی

خاندان پاک پیامبر (ص)، همه سجایای پاک را یکجا و در حدّ اعلای آن داشتند. از این رو، برخی انسان‌های نادان و کم‌ظرفیت مقام آنها را فراتر از انسان دانستند و صفات الوهیت را به آنان نسبت دادند که مورد رضایت آنان نبود و مردم را از چنین گفتاری بر حذر می‌داشتند؛ همان‌طور که خداوند در مورد قوم یهود که چنین راهی را در پیش گرفتند، فرمود: «بگو ای اهل کتاب! در دین خود به ناحق گزافه‌گویی نکنید». (۲)

به گفته قرآن، یهود درباره انبیای خود غلو می‌کردند؛

۱- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۵۴.

۲- نساء: ۷۱.

به گونه‌ای که معتقد بودند عَزیر پسر خداست. مسیحیان نیز حضرت عیسی (ع) را پسر خدا می‌دانستند. در میان مسلمانان نیز عده‌ای با غلو، بعضی از اهل بیت پیامبر (ع) را معبود خود خواندند که اهل بیت آنان را لعن کرده، کافر دانستند. علی (ع) درباره آنان فرمود:

دو کس درباره من هلاک شدند و تقصیر و گناهی بر من نیست: دوستداران افراطی و دشمنان افراطی؛ و ما در نزد خدای (عَزَّوَجَلَّ) از کسی که درباره ما (اهل بیت) غلو کند و ما را بیش از حد، بالا برد، براءت می‌جوئیم؛ همانند براءت جستن عیسی بن مریم از نصاری (مسیحیان). (۱)

گزافه‌گویی درباره اهل بیت (ع) در طول تاریخ بیشترین ضربه را بر مکتب ائمه زده است؛ زیرا غلوکنندگان با گفتار و کردار نابخردانه، مکتب اهل بیت (ع) را زیر سؤال برده و بهانه به دست مغرضان داده‌اند؛ به طوری که در کتاب‌های مربوط به فرق اسلامی، هرگاه سخن از پیروان اهل بیت به میان آمده، آنان را با غالیان برابر دانسته‌اند.

اکنون نیز وهابیت برای مبارزه با تعالیم ناب اهل بیت (ع) بر طبل غالی‌گری پیروان اهل بیت (ع) می‌کوبد

و آنان را غالی و گزافه گو می خواند. از سویی، برخی افراد نادان به بهانه عزاداری و نوحه سرایی برای اهل بیت (ع) و سرور شهیدان (ع)، جوانان پرشور و پاک طینت را گرد خود جمع می کنند و الفاظی غلوآمیز مانند: حسین اللهی ام، خدای من حسین است، مست مستم علی پرستم و امثال آن نسبت به اهل بیت پیامبر (ع) به کار می برند؛ به گمان آنکه عزادار حسین اند و به مکتب اهل بیت (ع) خدمت می کنند، ولی نمی دانند که با این کار، بهانه به دست دشمنان ائمه (ع) می دهند. از این رو، این نوع عزاداری ها و به کار بردن الفاظ نامناسب و غلوآمیز، مورد قبول و رضایت اهل بیت (ع) نیست.

ب) غرور

عشق به اهل بیت (ع) فواید و آثار فراوانی دارد و شرط دستیابی به آنها پیروی کامل از ائمه (ع) و پرهیز از گناهان است، و گرنه فقط با این تصور که چون شیعه هستیم اهل نجاتیم، راه به جایی نخواهیم برد. در این باره محمد بن مارد می گوید:

به امام صادق (ع) عرض کردم: حدیثی از شما نقل شده است که فرموده اید: هنگامی که (ما را) شناختید، هر کاری که می خواهید بکنید. (آیا

درست است؟) امام فرمود: آری، چنین گفته‌ام. پرسیدم: اگر چه زنا کنند یا سرقت نمایند و شراب بنوشند؟ امام فرمود: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) به خدا قسم! که نسبت به ما انصاف نمودند؛ زیرا ما به سبب کردارمان محاسبه می‌شویم. آیا از آنان حساب برداشته شده است؟ آنچه گفته‌ام این بود که هرگاه «امام را» شناختی تا می‌توانی از عمل، کم یا زیاد، انجام بده که از تو پذیرفته شود [و شرط قبول اعمال، ولایت ما اهل بیت است]. (۱)

این روایت به خوبی نشان می‌دهد، که برخی از رفتارهایی که به بهانه جشن برای اهل بیت (ع) به ویژه میلاد امام زمان [از برخی افراد ناآگاه صادر می‌شود و در آن به رقص و پای کوبی یا بیان برخی سخنان ناشایست می‌پردازند، مورد پسند اهل بیت (ع) نیست و حب ائمه (ع) نیز نمی‌تواند جوازی برای انجام این گونه رفتارها و گفتارها باشد.

ج) تحریف

یکی دیگر از انحرافات است که می‌تواند در مسیر ارتباط با معصومان مطرح گردد، تحریف تاریخ زندگی، گفتار

و رفتار اهل بیت (ع) است. به عنوان مثال امامان معصوم (ع) در روایات بر ذکر مصائب امام حسین (ع) و گریه کردن و گریانیدن عزاداران سیدالشهدا (ع) بسیار تأکید نموده‌اند. این امر سبب شده است که برخی افراد ناآگاه به هر بهانه‌ای، حتی با دست کاری واقعیت‌ها و جعل داستان‌ها، تلاش کنند مردم را بگریانند تا به گمان خود به ثواب عزاداری نائل گردند؛ در حالی که اینان با کار خود، مکتب سازنده و عاشق‌پرور امام حسین (ع) را، مکتبی خیالی و بی‌پایه معرفی می‌کنند. پاره‌ای از این دست تحریفات، به قلم محدث نوری در «لؤلؤ و مرجان» و نیز شهید مطهری در «تحریفات عاشورا» مطرح شده است.

(د) خرافه‌گرایی

برخی افراد جاهل و شیاد نیز از علاقه مردم به اهل بیت (ع) سوءاستفاده می‌کنند و در بعضی موارد برای رسیدن به اهداف پلید خود، خرافه‌ای را در جامعه می‌پراکنند. مثلاً کسی ادعا می‌کند که قطره‌ای از خون سر امام حسین (ع) در فلان منطقه ریخته است بدین سبب، آن مکان مقدس است و دیگری مدعی کشف امام‌زاده‌ای جدید در منطقه‌ای گمنام می‌شود و در محله‌ای دیگر، مکانی به نام قدم‌گاه حضرت عباس (ع)

احداث می‌کنند و یا مدعی دیدن خواب امام معصومی شده، خود را نظر کرده معرفی می‌نمایند.

(ه) بی‌توجهی به اهداف مکتب

توجه نداشتن به اهداف مکتب و غفلت از فلسفه قیام و قعود ائمه(ع) و عدم درک صحیح از تأکید ایشان به برپاداشتن عزاداری‌ها و جشن‌ها، یکی دیگر از موانع پیوند معنوی صحیح با اهل بیت(ع) است. از این رو، گاهی برخی از افراد خودسر و غافل به گمان بزرگداشت شعائر دینی، حرمت ائمه را می‌شکنند. استاد شهید مطهری در این باره می‌گوید:

در سال‌های اوّل مرجعیت مرحوم آیت‌الله بروجردی بود. به ایشان خبر دادند که وضع شبیه‌خوانی (تعزیه) قم خیلی خراب و ناجور است. ایشان از تمام رؤسای هیئت‌ها دعوت نمودند تا به منزل ایشان بیایند. پس از آمدن آنها، مرحوم بروجردی از حاضران پرسید: مقلد چه کسی هستید؟ همه گفتند: مقلد شما. ایشان فرمودند: اگر مقلد من هستید، فتوای من این است که این شبیه‌هایی که شما در می‌آورید، حرام است. آنان به جای پذیرش نظر ایشان با کمال صراحت گفتند:

آقا! ما در تمام سال مقلد شما هستیم، الا این سه، چهار روز که ابتدا از شما تقلید نمی کنیم ... این نشان می دهد که هدف، امام حسین (ع) نیست. هدف، اسلام نیست. نمایشی است که از آن، استفاده های دیگر و لااقل لذتی می برند. (۱)

اکنون نیز مشابه این گونه کارها در جامعه رایج است. کارهایی همچون قمه زنی، به راه انداختن علم های چند متری، دعوت هیئت ها از مداحان خوش صدا برای خودنمایی در برابر هیئت رقیب، متداول شدن استفاده از انواع سبک های ترانه و آلات و ابزار موسیقی برای جذب بیشتر جوانان، انداختن قلاده بر گردن و عوعو کردن و خود را سگ درگاه حسین (ع) خواندن، از خرافات و انحرافات است که با آموزه های مکتب پویای اهل بیت (ع) در تعارض است و مورد تأیید فقهای شیعه نیز نمی باشد.

فصل دوم ارتباط آرمانی

۱. منظور از ارتباط آرمانی

یکی از آرزوهای بزرگ انسان‌ها در طول اعصار و قرون، برچیده شدن ظلم و ستم و استقرار و حاکمیت عدالت، ارزش‌ها و صفات پاک انسانی در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی بوده است. از این رو، در انسان‌ها همواره انتظار چنین روزی بوده، به پدیدآوردن گان چنین تحولی عشق ورزیده‌اند. ادیان الهی و حتی غیر الهی نیز ظهور چنین شخصی را به پیروان خود بشارت داده‌اند. «این شخصیت نزد زرتشتیان سوشیانت پیروزگر و نزد بوداییان بودای پنجم و نزد برهمنان کریشنای و نزد هندوان آواتای ویشنو و نزد یهودیان مسیح و نزد مسیحیان فارقلیط نام دارد». (۱)

ص: ۳۷

این شخصیت بزرگ که همه چشم به راه اویند، در نزد مسلمانان مهدی نام دارد؛ همان که آرمان بشریت را محقق می‌سازد. رسول خدا(ص) در معرفی او فرمود: «مهدی از ما اهل بیت و از فرزندان فاطمه است». (۱)

و فرمود:

در آخرالزمان مردی از فرزندانم که هم‌اسم و هم‌کنیه من است، خروج می‌کند و جهان را که از ظلم و جور و بی‌عدالتی پر شده است، پر از قسط و عدل می‌سازد. (۲)

از این رو، مراد از ارتباط آرمانی، انتظار دمیدن خورشید ولایت (مهدی موعود) و عشق ورزیدن به اوست؛ همان که با نور وجود خود، ظلمت را از جهان می‌زداید و گیتی را منور نموده، آرمان بشریت را محقق می‌سازد.

۲. شیوه‌های ارتباط آرمانی با امام زمان (عج)

اشاره

بهترین شیوه‌های پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی که برای باورمندان به ظهورش در روایت‌ها آمده، چند امر است:

۱- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۲۱.

۲- همان، ص ۳۲.

الف) آمادگی برای یاری حضرت

امام صادق(ع) فرمود: هر یک از شما می‌بایست برای (ایجاد زمینه) خروج قائم تلاش کند اگر شده تیری فراهم آورد؛ زیرا خداوند وقتی نیت کسی را برای یاری امام زمان بداند، امید می‌رود که عمر وی را طولانی کند تا ظهور آن حضرت را درک کرده، از یاوران و پشتیبانان آن حضرت شود. (۱)

ب) درخواست توفیق شناخت امام از خداوند

در منابع روایی شیعه و سنت، به تواتر و با بیان‌های مختلف از رسول خدا(ص) نقل شده است:
 وَمَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. (۲)
 و هر کس که بدون شناخت امام زمانش بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است.
 از این رو، همواره باید توفیق شناخت امام زمان، و اعتراف به وجود او و عمل به وظایف را از خدا خواست.
 زراره بن اعین می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: اگر من دوره غیبت را درک نمایم، چه کنم؟

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۲- محمد بن علی بن بابویه(شیخ صدوق)، کمال الدین، ص ۴۰۹.

حضرت فرمود:

همیشه این دعا را بخوان: بار پروردگارا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! رسولت را به من بشناسان؛ زیرا اگر رسولت را به من نشناسانی، حجّت را نخواهم شناخت. خداوند! حجّت را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجّت را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد. (۱)

آنچه امام صادق(ع) بر آن تأکید ورزید، شناخت خدا، رسول و امام، با کمک خواستن از خداوند است، آن هم نه فقط با زبان.

آن حضرت در بیانی دیگر، معرفت به امام را نوعی فضیلت برمی شمارد:

کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیامش بمیرد، همانند کسی است که در لشکر آن حضرت حاضر بوده است (و در رکاب او از حق دفاع کرده است). (۲)

ج) دعوت خود و دیگران به حق

امام سجاد(ع) در توصیف منتظران حقیقی فرمود:

اهل زمان غیبت که معتقد به امامت و منتظر ظهور

۱- کمال الدین، ص ۱۴۶.

۲- همان، ص ۱۴۱.

او هستند، از اهل هر زمانی برترند ... آنان پیروان حقیقی ما و کسانی‌اند که آشکار و نهان به دین خدای - عزوجل - دعوت می‌کنند.

(۱)

مسئولیتی که امام در حدیث فوق به آن اشاره کرده است، بیشتر در حوزه وظایف عالمان دین می‌گنجد.

امام هادی(ع) در این باره فرمود:

اگر در روزگار غیبت قائم ما، عالمانی نبودند که به سوی او فراخوانند و راهنمایی کنند و با دلایل و استدلال محکم به دفاع از دین برخیزند و بندگان سست ایمان را از دام‌های شیطان برهانند و از دست ناصبیان نجات دهند، کسی باقی نمی‌ماند مگر اینکه مرتد می‌شد. ولی آنان همچون کشتییان و ناخدای کشتی که سکان را نگه می‌دارد، قلب‌های شیعیان سست ایمان را از لغزش بازمی‌دارند. (۲)

(د) پرهیز از گناه

پیوند با پاکان جز با پاکی ممکن نیست؛ زیرا شرط لازم مصاحبت، مجانست است. امام صادق(ع) فرمود:

هر کس خشنود می‌شود که از اصحاب قائم باشد،

۱- کمال الدین، ص ۳۲۰.

۲- احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۳۳.

پس باید منتظر ظهورش بوده و اهل پرهیز از محرمات الهی و عمل به اخلاق نیکو باشد. در این صورت، او منتظر (حقیقی) است. (۱)

ه) پیروی از نایبان عام امام

یکی دیگر از راه‌های پیوند با آن حضرت، پیروی از نواب عام، به ویژه ولی فقیه، برای سربلندی امت اسلامی است. حضرت مهدی (عج) فرمود:

أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ.

در پیش آمدهایی که رخ می‌دهد، برای فهم [حکم] آن، به راویان حدیث ما رجوع کنید، که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم.

از این رو، با پیروی از نایبان عام آن حضرت، به ویژه ولی فقیه جامع الشرایط، عقیده به استمرار ولایت سیاسی امامان را تقویت نموده و شیعه مذهب را همچون مذهبی پویا که توان پاسخگویی به همه نیازها، به ویژه نیاز سیاسی را بر اساس اندیشه‌های برگرفته از اهل بیت پیامبر (ع) دارد، بهترین الگوی پیروی به جهانیان معرفی خواهیم نمود؛ همان کاری که با قیام امام راحل و

انقلاب اسلامی در جهان اسلام رخ داد و دل و اندیشه بسیاری از پیروان ادیان و مذاهب دیگر را متوجه مکتب اهل بیت (ع) و گرایش به آن نمود.

(و) دعا برای ظهور

یکی دیگر از راه‌های ارتباط، استغاثه در فراق آن حضرت و دعا نمودن به درگاه الهی و صدقه دادن برای سلامتی و تعجیل در ظهور و توفیق درک زمان ظهور و یاری آن حضرت است. خواندن دعای عهد (نقل شده از امام صادق (ع)) و دعای فرج و ... در این باره به شیعیان توصیه شده است.

(ز) نجوای عاشقانه

امام زمان (عج) تنها حجت زنده خدا در میان خلق است. چه بسا بسیاری او را دیده‌اند ولی کمتر کسی او را می‌شناسد. از این رو، نجوای عاشقانه با او برای رؤیت جمال دلربایش، از راه‌های ارتباط با اوست. چه زیباست که هر صبح جمعه دعای ندبه بخوانیم و در زمزمه‌ای عاشقانه به آن حضرت بگوییم: ای کاش می‌دانستم در کجا جای گرفته‌ای؟ آیا در کوه رضوایی و یا در ذی طوی؟ چه دشوار است برایم که مردمان را بینم اما تو را بینم و از تو

صدایی، حتی آهسته، به گوشم نرسد. چه برایم دشوار است که رنج فراق را تحمل کنم اما شکوه و ناله و زاریم به گوشت نرسد. فدایت شوم (تو آن) غایبی (هستی) که از ما دور نیستی. جانم به فدایت، تو آن جدا افتاده از مایی که از ما جدا نیست. جانم به فدایت تو همان آرزوی قلبی هر مرد و زن با ایمانی که به یاد تو و به شوق دیدارت ناله سر می دهد ... ای سرورم، تا کی در طلبت حیران و تا چه هنگامی و با چه زبانی تو را بخوانم و چگونه راز دل گویم. (۱)

۳. آثار و نتایج ارتباط آرمانی

اشاره

عقیده به ظهور منجی از نسل پیامبر(ص)، آثار و برکات فراوانی برای پیروان آن حضرت دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) امید و نشاط

عقیده به آمدن منجی صالح برای اصلاح امور جهان، امید را در دل زنده می کند و ناامیدی را می زداید. این امید، به زندگی انسان نشاط می دهد؛ زیرا می داند

سرانجام، پیروزی از آن نیکوکاران خواهد بود و ظالمان، هر اندازه قدرت مند باشند، نابود خواهند شد.

ب) اصلاح فرد

منتظرِ واقعی مصلحی پاک از خاندانی پاک، به درستی می‌داند که راه پیوستن به چنین مصلحی و قرار گرفتن در زمره یاران وی، جز با تزکیه نفس میسر نیست؛ زیرا او پاک است و جز پاکان را نمی‌پذیرد. چنین شخصی در اصلاح خود می‌کوشد تا شایستگی لازم را برای سربازی آن حضرت بیابد.

ج) اصلاح اجتماع

عقیده به منجی جهان، انگیزه مبارزه با ستمگران را در دل‌ها تقویت می‌کند؛ به ویژه اینکه چنین شخصیتی، زنده و شاهد رفتار ماست و افزون بر آن، نایبانی را به طور عام برای اداره امور جامعه تعیین کرده است. چنین اعتقادی می‌تواند موجب تحول و اصلاح اجتماع شود. شاهد این ادعا، پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ است. در این انقلاب مردم جان بر کف ایران، با انگیزه و روحیه شهادت‌طلبی به خیابان‌ها ریختند و با مبارزه جانانه، حکومت طاغوت را در هم شکستند. آنان با این کار، زمینه را برای ظهور حضرت موعود فراهم کردند.

(د) هراس مستکبران

عقیده به وجود رهبری عدل گستر و دشمن ظلم و ظالمان، همواره موجب نگرانی ستمگران بوده است. از این رو، آنان حتی پیش از تولد حضرت، در پی جلوگیری از تولد یا نابودی وی پس از تولدش بوده‌اند. به همین جهت جد و پدرش را در لشکرگاه تحت مراقبت شدید قرار دادند تا به مقصود خود نایل گردند، ولی نتوانستند. امروزه نیز استکبار جهانی به مبارزه با این اندیشه و تفکر پرداخته، هجوم بی‌سابقه‌ای را با وسایل و ابزارهای تبلیغاتی علیه این باور به راه انداخته است و با ساختن فیلم و انیمیشن و بازی‌های رایانه‌ای در مبارزه با تفکر مهدویت، خود را پیروز میدان مبارزه معرفی می‌نماید، اما:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸)

الصف، ۸

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند، ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند!

۴. آسیب‌شناسی ارتباط آرمانی**اشاره**

پیوند آرمانی با ساحت قدس مهدوی (عج)، از آغاز غیبت تا کنون با کج‌اندیشی‌هایی رو به رو

بوده است که در اینجا با عنوان آسیب‌شناسی به آن می‌پردازیم:

الف) تفسیر انحرافی از انتظار

برخی راحت‌طلبان عافیت‌اندیش، برای شانه خالی کردن از تعهدات اجتماعی و اصلاح امور جامعه به توجیه کردار خود می‌پردازند و معتقدند که امام زمان هنگامی ظهور می‌کند که جهان پر از ظلم و جور باشد. پس نباید برای اصلاح امور با حاکمان جور در افتاد تا زمینه ظهور، فراهم گردد. بنابراین، آنان با هر حرکت اصلاحی در جامعه مخالفت می‌کنند و آن را محکوم به شکست می‌دانند. امام خمینی درباره اینان می‌گوید:

یک دسته دیگر هم که ترشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب مگر برای چه می‌آید؟ می‌آید معصیت را بردارد. ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید. (۱)

آیا از روایاتی چون «بعد از این که زمین از ظلم پر می‌گردد، آن را با قسط و داد پر می‌کند»، چنین استفاده نمی‌شود که نباید با فساد و ظلم و جور مبارزه کرد تا

زمینه ظهور فراهم گردد؟ علامه طباطبایی (ره) در پاسخ می‌فرماید:

لازمه این سخن، حلال شمردن حرام و جواز ترک واجبات است و مسلماً حضرت نمی‌خواهد که فساد کنیم تا بیاید و ما را گردن بزند. (۱)

ب) ادعاهای باطل

ادعاهای دروغین، دیگر از آفت‌هایی است که به این عقیده آسیب می‌رساند. ادعاهایی همچون ملاقات با امام زمان یا دیدن او در خواب و رساندن پیام آن حضرت به مردم در جامعه اسلامی از سوی برخی مطرح می‌شود و بعضی ساده‌دلان مشتاق را نیز به سوی خود جذب می‌کند.

زمینه این گونه ادعاها را افرادی با اهداف شخصی در نوشته‌های خود به وجود می‌آورند. در این باره بیان ماجرای از زندگی امام خمینی (ره) بی‌مناسبت نیست:

یکی از مدعیان ارتباط با امام عصر در زمان حیات امام خمینی (ره) با یکی از مسئولان بلند پایه جمهوری اسلامی تماس گرفته، می‌گوید: پیغامی از حضرت بقیه الله برای امام دارم که باید حضوری به

ایشان عرض کنم. گویا آن مسئول بلندپایه باور کرده بود که مدعی، راست می گوید. لذا جریان را به اطلاع امام خمینی (ره) می رساند. امام در پاسخ می فرمایند: به او بگویید من کور باطن هستم (اشاره به اینکه بی دلیل چیزی را نمی پذیرم). سه سؤال از وی بکنید و بگویید اگر با ولی عصر ارتباط دارد، ابتدا پاسخ این سؤالها را بیاورد، بعد پیغام آن حضرت را بگوید. سؤال نخست: من یک چیزی را دوست دارم آن چیست؟ (اشاره به عکسی که منسوب به پیامبر اسلام بوده و در اتاق ایشان بود). سؤال دوم: چیزی (دیوان شعر) را گم کرده ام، کجاست؟ سؤال سوم: ربط حادث به قدیم چگونه است؟ اما مدعی یا مدعیان به جای پاسخ به پرسش های امام، نامه ای سراسر اهانت به ایشان می نویسد که چرا از واسطه ولی عصر برای اثبات ادعایش دلیل و برهان می خواهد.

(۱)

فصل سوم از تباط استمدادی با امامان معصوم (ع)

۱. منظور از ارتباط استمدادی

پیمودن راه مستقیم الهی، کاری است دشوار و پرخطر؛ زیرا دشمنی از درون، به نام هوای نفس؛ و دشمنی از بیرون، به نام شیطان، در کمین است. از این رو، راه نجات از دام‌های شیطان و همچنین راه دستیابی به حاجت‌های دنیوی و اخروی تمسک به انسان‌هایی است که مقرب خداوند و واسطه فیض‌اند و آنان جز خاندان پاک پیامبر (ص) نیستند؛ همانانی که رسول خدا (ص) راه نجات را در تمسک به آنان دانسته است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ خَلِيْفَتَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابَ اللَّهِ مِنَ السَّمَاءِ وَعَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي الْا

وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضِ. (۱)

ای مردم من در بین شما دو جانشین به جا گذاشتم که اگر به آن دو تمسک نمایید، هرگز گمراه نخواهید شد، یکی از دیگری بزرگ تر است و آن: کتاب خدا از آسمان و عترتم [اهل بیت] می باشد. بدانید که آن دو تا وقتی که در کوثر نزد من آیند از هم جدایی نپذیرند.

از این رو، مراد از ارتباط استمدادی، تمسک، توسل و استغاثه به آنان برای هدایت و رستگاری و برآورده شدن حاجت های دنیوی و اخروی و بهره مندی از شفاعت آنان نزد خداوند است؛ زیرا خداوند می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ

المائدة، ۳۵

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا داشته باشید و به سوی او وسیله ای برای تقرب برگزینید!

این وسیله تقرب، وجود مقدس امامان معصوم (ع) از خاندان پیامبر (ص) می باشد؛ همان طور که در معنای «وسيله» از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

«معنی آن» امامان از فرزندان حسین اند. کسی که از آنان اطاعت کند، از خداوند اطاعت کرده و کسی

که از فرمان آنان سرپیچی کند، خدا را نافرمانی نموده است. آنان عروة الوثقی و وسیله تقرب به خداوند متعال هستند. (۱)

۲. شیوه‌های ارتباط استمدادی

الف) توسل

یکی از راه‌های ارتباط با پیامبر(ص) و اهل بیت او(ع) توسل و استمداد برای برآورده شدن حاجات دنیوی و اخروی و بخشش گناهان است؛ زیرا خداوند آنان را واسطه فیض خود قرار داده و به مسلمانان امر فرموده است که برای بخشش گناهان خود به رسول خدا(ص) متوسل شوند تا گناهانشان بخشیده شود.

یک- در قرآن و روایات اهل بیت(ع)

خداوند در این باره به پیامبرش می‌فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (۶۴)

النساء، ۶۴

و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر

[نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد، قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.
آیه ای دیگر، وجود مقدس پیامبر اکرم(ص) را در میان مردم، سبب دفع بلا و عذاب از آنان دانسته است:
وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۳۳)
الأنفال، ۳۳

ای پیامبر! تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد و [نیز] تا وقتی که استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند.

به همین جهت، ائمه اطهار(ع) نیز چگونگی توسل و استغاثه به درگاه الهی برای برآورده شدن دعا و حاجات را آموزش داده اند.
سماعه بن مهران می گوید:

امام کاظم(ع) به من فرمود: هر گاه به درگاه خداوند حاجتی داشتی بگو:

اللَّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ (ع) ... (۱)

خداوند! تو را به حق محمد و علی(ع) می خوانم، زیرا برای آن دو در نزد تو مقام و منزلتی والایست. پس به حق همان منزلت،
می خواهم که بر محمد

و آل محمد درود فرستی و حاجاتم را برآورده سازی.

داوود رقی می گوید: من به دعاهای امام صادق(ع) گوش فرا دادم. شنیدم که آن حضرت در دعا به درگاه خداوند، بیشترین اصرار را به حق پنج تن یعنی رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین(ع) می کرد. [\(۱\)](#)

دو- در روایات اهل سنت

در کتابهای اهل سنت روایات متعددی درباره توسل به پیامبر و خاندان او پیش از تولد آنان و در زمان حیات و پس از رحلت آنان است:

۱. در روایتی که اهل سنت از ابن عباس نقل کرده اند آمده است:

از رسول خدا(ص) درباره تفسیر کلماتی که آدم(ع) از پروردگار تلقی کرد و توبه اش پذیرفته شد، پرسیدم. فرمود: از خدا به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین تقاضا کرد تا توبه اش را بپذیرد و خدا نیز توبه اش را پذیرفت. [\(۲\)](#)

۲. انس بن مالک می گوید:

۱- همان، ص ۹۷.

۲- جلال الدین سیوطی، تفسیر الدر المنثور، ج ۱، ص ۶.

در زمان رسول خدا(ص) در یکی از سال‌ها مردم به خشکسالی مبتلا شدند. در یکی از روزهای جمعه که آن حضرت در حال خواندن خطبه نماز جمعه بود، مردی اعرابی وارد شد و گفت: ای رسول خدا! اموالمان نابود شد و خانواده‌ها گرسنه‌اند، برای ما دعا کن. رسول خدا دست‌ها را برای دعا به سوی آسمان بلند کرد، در حالی که قطعه ابری در آسمان دیده نمی‌شد، اما قسم به خدایی که جانم در دست اوست، هنوز دست‌ها را پایین نیاورده بود که دیدیم ابرها مانند کوه به راه افتادند و هنوز از منبر پایین نیامده بود که دیدیم قطره‌های باران بر محاسن حضرتش چکید. از آن روز تا جمعه بعد، باران بارید که باز همان مرد یا مردی دیگر آمد و گفت: ای رسول خدا! ساختمان‌ها ویران و اموالمان غرق شده است، برای ما دعا کن. حضرت دست به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: بار پروردگارا! به نفع ما ابرها را بفرست و بر علیه ما قرار مده. سپس با دستان خود به بخشی از ابرها اشاره نمی‌کرد مگر اینکه از هم متلاشی شده، به اطراف شهر مدینه پراکنده شدند. (۱)

۳. در روایت دیگری از عثمان بن حنیف نقل شده است:

مردی نابینا نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: از خدا بخواه مرا شفا دهد. پیامبر فرمود: اگر بخواهی برایت دعا می‌کنم و اگر بخواهی به تاخیر بیندازم به سود توست. نابینا گفت: دعا کن. پیامبر (ص) به وی دستور داد که وضویی نیکو بسازد و دو رکعت نماز بخواند و آن‌گاه این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ انِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى رَبِّي فِي حَاجَتِي هَذِهِ، فَتَقْضِ لِي اللَّهُمَّ شَفْعَهُ فِيَّ.

بار خدایا! از تو می‌خواهم و به وسیله پیامبرت، محمد که پیامبر رحمت است، به تو رو آورده‌ام. ای محمد! من به وسیله تو به پروردگارم روی آورده‌ام تا حاجتم را برآورد. بار پروردگارا! او را شفیع من قرار بده.

عثمان بن حنیف می‌گوید:

به خدا قسم! که ما هنوز پراکنده نشده بودیم و مدت زیادی نگذشته بود که دیدیم آن مرد شفا یافته، نزد ما آمد و چنان نشان می‌داد که هرگز نابینا

۴. امیر مؤمنان علی (ع) فرمود:

سه روز پس از دفن رسول خدا، عربی بیابانی نزد ما آمد و خود را روی قبر انداخت و از خاک قبر بر سرش ریخت و گفت: ای رسول خدا! تو از خدا وحی را دریافت کردی و به ما رساندی و ما هم شنیدیم و دریافتیم. از جمله آیه‌هایی که بر ما خواندی، این بود: اگر آنان که بر خود ظلم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خداوند طلب بخشش می‌کردند و رسول خدا نیز برای آنان طلب استغفار می‌کرد، خداوند را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند. حال ای پیامبر! من به خود ظلم کردم و نزد تو آمدم که برایم طلب بخشش کنی. (۲)

۵. ابوعلی خلال، یکی از بزرگان حنبلی می‌گوید:

هرگاه کار مهمی برای من پیش می‌آمد، بر مزار موسی بن جعفر (ع) می‌رفتم و متوسل می‌شدم، حاجتم برآورده می‌شد. (۳)

۱- محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۴۵۸.

۲- نورالدین علی بن عبدالله بن احمد سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۶۱.

۳- احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰.

۶. ابوبکر محمد بن مؤمل می گوید:

روزی در خدمت پیشوای اهل حدیث، ابوبکر بن خزیمه و همتایش ابوعلی ثقفی با گروهی از بزرگانمان به زیارتگاه علی بن موسی الرضا(ع) در طوس رفتیم. ابن خزیمه را دیدم که چنان در برابر قبر آن حضرت تعظیم، تواضع و گریه و زاری می کند که همه ما را به تعجب و حیرت واداشت. (۱)

۷. ابن ادریس شافعی، بنیان گذار مذهب شافعی، نیز در توسل به اهل بیت(ع) می گوید:

أَلُ النَّبِيِّ ذَرِيعَتِي وَ هُمْ إِلَيَّ وَسِيلَتِي

أَرْجُو بِهِمْ اعْطَى عَدَاً بِيَدِ الْيَمِينِ صَحِيفَتِي (۲)

خاندان پیامبر(ص) دست آویز من هستند. آنان در پیشگاه حق، وسیله تقرب من می باشند. امید دارم که به سبب آنان در فردای قیامت، نامه عمل من به دست راستم سپرده شود.

این روایت ها روشن می کند که توسل به اهل بیت(ع)، ویژه شیعیان نیست، بلکه افرادی همچون شافعی و ابن خزیمه و ابوعلی خلال و ... نیز به آنان متوسل می شدند.

۱- احمد بن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹.

۲- احمد بن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۵۲۴.

ب) درخواست شفاعت

راه دیگر ارتباط با معصومان درخواست شفاعت از آنان است؛ زیرا شفاعت امت، از درجاتی است که خداوند در سایه عبودیت به پیامبر اکرم (ص) و خاندان وی عطا فرموده است.

مصدق بارز عبودیت پروردگار، نماز، به ویژه نماز شب است. از این رو، خداوند به پیامبرش دستور داد برای دریافت مقام شفاعت به نماز شب برخیزد:

(اسراء: ۷۹)

[ای پیامبر] ... و پاره‌ای از شب برای نافله، به شب زنده‌داری قیام کن تا خداوند مقام محمود [شفاعت] را به تو بدهد.

علامه طبرسی در تفسیرش می‌نویسد: «مفسران اجماع دارند که مراد از مقام محمود، همان مقام شفاعت است». (۱)

در روایات متعدد در کتاب‌های شیعه و سنی از رسول خدا (ص) نقل شده است که آن حضرت در روز قیامت شفاعت خواهد نمود. از آن حضرت است:

۱- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۸۴.

ص: ۶۰

«شَفَاعَتِي لَأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي» (۱)؛

«شفاعتم برای اهل گناهان کبیره از امتم می‌باشد.»

همچنین فرمود:

مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَقَالَ اللَّهُمَّ أَنْزِلْهُ الْمَقْعَدَ الْمُقَرَّبَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَجَبْتُ لَهُ شَفَاعَتِي. (۲)

کسی که بر محمد صلوات بفرستد و بگوید پروردگارا او را در جایگاه مقرب، نزد خود در روز قیامت جای ده، شفاعتش بر من لازم است.

پیامبر(ص) در سخنی دیگر فرمود:

الشُّفَعَاءُ خَمْسَةٌ: الْقُرْآنُ، وَالرَّحْمُ، وَالْأَمَانَةُ، وَنَبِيُّكُمْ، وَاهْلُ بَيْتِهِ. (۳)

شفاعت کنندگان پنج‌اند: قرآن، رحم، امانت، پیامبر(ص) و اهل بیت او(ع).

اما آنچه درباره حقیقت شفاعت می‌توان گفت این است که شفاعت پیامبر(ص) و سایر شفیعیان، همان دعا به درگاه الهی و طلب مغفرت برای گناه کاران است و خداوند نیز در شرایط خاصی دعایشان را اجابت می‌کند و آنان نیز در غیر مواردی که اجازه دعا دارند، دعا

۱- اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۴۹.

۲- تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۵۲۱.

۳- سیوطی، جامع الصغیر، ج ۲، ص ۸۶؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۴۳.

ص: ۶۱

نمی‌کنند.

ما احاطه علمی به حقیقت شفاعت در روز قیامت نداریم، شاید در آنجا مرتبه‌ای دیگر در کار باشد، ولی هر چه باشد، دعا یکی از مراتب آن است. از این رو، کلام گوینده در مقابل قبر پیامبر (ص) که می‌گوید

: «یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ» (۱)؛

«ای آبرومند در نزد خدا! مرا در نزد خدا شفاعت بنما»، چیزی جز همین دعا را قصد و اراده نمی‌کند.

ج) نذر

نذر، یکی دیگر از راه‌های ارتباط استمدادی است.

در تعریف نذر گفته‌اند:

النذر هو الالتزام بعمل لله تعالى على نحو مخصوص. (۲)

نذر بر عهده گرفتن و انجام کاری است برای خدا به شکل مخصوص.

در حقیقت، نذر عهدی است که نذرکننده با خدا می‌بندد که اگر به اذن پروردگار، حاجتی از حاجت‌هایش برآورده شود، کار خیری را انجام دهد، مثلاً روزه بگیرد یا

۱- جعفر سبحانی، بحوث فی الملل والنحل، ج ۴، ص ۲۸۰.

۲- امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۱۶.

به تعدادی فقیر کمک نماید و اگر نذرش به واسطه یکی از بندگان پاک و صالح خدا برآورده شود، به زیارت قبر آن فرد صالح برود و یا برای تعمیر و آبادانی قبرش مقداری پول اهدا کند یا مالی را صدقه بدهد و ثوابش را به روح پاک آن بنده صالح هدیه کند. چنین نذری در صورت برآورده شدن حاجت، لازم الوفاء است. فرض اخیر نذر که واسطه شدن بنده‌ای از بندگان صالح خدا مانند انبیا و ائمه و صالحان در برآورده شدن حاجات است، احکام ویژه‌ای دارد که در رساله‌های عملیه مراجع، به طور گسترده به آن پرداخته شده است.

۳. آثار و نتایج رابطه استمدادی

اشاره

شیوه‌های سه‌گانه استمداد از امامان معصوم (ع)، یعنی توسل، درخواست شفاعت و نذر، آثار و رهاوردهای دنیوی و اخروی بسیاری دارد که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) برآورده شدن حاجت‌ها

نیازمندان و دردمندان بسیاری بودند که پس از توسل و یا نذر برای اهل بیت (ع) حاجت‌های آنان برآورده شد و مشکل‌شان که حل نشدنی می‌نمود، برطرف گردید. در

این موضوع کتاب‌های متعدد و نمونه‌هایی نوشته‌اند (۱) که در این بخش به یک نمونه می‌پردازیم:

- آیت الله العظمی مرعشی نجفی، از مراجع معاصر، می‌گوید: در سال ۱۳۳۹ قمری (یک سال پس از فوت پدرم) هنگامی که در مدرسه «قوام» نجف اشرف طلبه بودم و تدریس می‌کردم، مشکلات و ناراحتی‌هایی بر قلبم سنگینی می‌کرد که عبارت بودند از:
- بدگمانی به مردم، چنان که با کسی ارتباط برقرار نمی‌کردم و حتی نماز جماعت پشت سر افراد عادل را نیز ترک کرده بودم؛
 - یکی از منسویین من از تدریسم جلوگیری می‌کرد و به استادم نیز گفته بود که مرا به درس خود راه ندهد؛
 - به بیماری حصبه مبتلا شدم و بعد از شفا دچار کُندذهنی و فراموشی شده بودم؛
 - بینایی چشم‌هایم بسیار کم شده بود؛
 - از تندنوشتن عاجز شده بودم؛
 - گرفتار فقر و تنگ‌دستی شدید بودم؛
 - نوعی بیماری روحی دائمی احساس می‌نمودم؛
 - در عقیده‌ام به برخی از امور معنوی، به تدریج

۱- از جمله می‌توان به کتاب داستان‌های شگفت شهید دستغیب و کرامات معصومیه اشاره کرد.

تزلزلی روی می داد؛

از سوئی آرزو داشتم که خداوند سفر حج بیت الله الحرام را نصیبم کند به شرط آنکه در مکه یا مدینه بمیرم و در یکی از این دو شهر دفن شوم. دیگر آنکه خداوند توفیق علم و عمل صالح را به من عنایت کند.

آن مشکلات و این آرزوها لحظه ای مرا آرام نمی گذاشت. از این رو، به فکر توسل به سالار شهیدان افتادم و به کربلا رفتم. پس از تجدید وضو به حرم مشرف شدم و شب را در حرم، پایین پای آن حضرت و در کنار قبر علی اکبر (ع) نشستم. اندکی از نشستم نگذشته بود که صدای حزین قرائت قرآن را از پشت روضه مقدس شنیدم. به آن طرف متوجه شدم. پدر مرحومم را دیدم که نشسته بود. از من پرسید، در ایام درسی برای چه کاری به اینجا آمده ای؟ علت را شرح دادم. به من امر کرد که حاجتم را با امام (ع) در میان بگذارم. به طرف ضریح رفتم و آن حضرت را دیدم. سلام کردم و جوابم را داد و تبسمی ملیح بر لبانش نقش بست. از من پرسید: چه می خواهی؟ من این شعر فارسی را خواندم:

آن را که عیان است چه حاجت به بیان است

آن حضرت، قطعه‌ای نبات به من عنایت کرد و فرمود: تو مهمان مایی. سپس فرمود: چه چیز از بندگان خدا دیده‌ای که به آنها بدگمان شده‌ای؟ با این سؤال در من یک دگرگونی پیدا شد و احساس کردم که دیگر به کسی بدگمان نیستم. سپس فرمود: به درس خود پرداز، زیرا آن شخص که مانع تدریس تو بود، دیگر نمی‌تواند کاری کند. (چون به نجف بازگشتم همان شخص به دیدنم آمد و گفت: من فکر کردم که تو جز تدریس کردن راهی نداری). آن حضرت مرا شفا داد و بینایی‌ام قوی‌تر شد و قلمی به من بخشید و فرمود بگیر و با سرعت بنویس. ناراحتی قلبی‌ام را نیز برطرف ساخت. اما آرزوی حج، شاید به دلیل شرطی که نموده بودم، برآورده نگردید. (۱)

(ب) رسیدن به مقام‌های بلند عرفانی

یکی دیگر از فواید ارتباط استمدادی با معصومان، بهره‌مندی از فیوضات معنوی آنان، برای رسیدن به مقامات بلند عرفانی است؛ زیرا به اعتراف همه سلسله‌های عرفان و تصوف در جهان اسلام، اهل بیت

پیامبر(ع) سرآمد عارفان بوده‌اند؛ به طوری که از بیست و پنج فرقه عرفانی فقط یک فرقه به دیگران منتسب است و بقیه فرق خود را وامدار علی(ع) و سایر امامان که علم عرفان را از رسول خدا(ص) گرفته‌اند می‌دانند.

از سوی دیگر، بر اساس معارف برگرفته از قرآن و سنت، ارتباط صالحان و پاکان، به ویژه پیامبر(ص) و اهل بیت او، با این جهان همچنان برقرار است. به همین جهت می‌توان با استمداد از ارواح پاک آنان راه کمال و سعادت را طی نمود؛ همان‌طور که عارف عامل، شیخ رجب‌علی خیاط در این باره می‌گوید:

... غالب مردم نمی‌دانند توسل به اهل بیت(ع) برای چیست؟ آنها برای رفع مشکلات و گرفتاری‌های زندگی به اهل بیت متوسل می‌شوند؛ در صورتی که ما(اهل سیر و سلوک) برای طی کردن مراحل توحید و خداشناسی باید در خانه اهل بیت(ع) برویم. راه توحید، صعب(دشوار) است و انسان بدون چراغ و راهنما قادر به طی کردن این راه نیست. (۱)

ج) شفاعت در قیامت

هنگامی که به ائمه(ع) توسل می‌جوئیم و با برقرار کردن

ارتباط با ایشان می‌گوییم: «یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ»، به واسطه آنان از خدا درخواست شفاعت می‌کنیم. در این صورت ممکن نیست که از خوان کرم آن بزرگواران، دست خالی برگردیم و در آخرت از ما شفاعت نکنند.

(د) افزایش ایمان دینی

توسل به انسان‌های معصوم و پاک و بهره‌مندی از نتایج آن، سبب تقویت ایمان دینی خواهد بود؛ زیرا انسان در پی توسل و استمداد از آنان و برآورده شدن حاجات، می‌فهمد که بندگی پروردگار بی‌ثمر نیست، بلکه خداوند عزتی جاودانه به بندگان برگزیده خود می‌بخشد؛ به طوری که دیگران نیز از این موهبت بندگی آنان بهره‌مند می‌شوند. آری! خداوند برطرف شدن مشکل و نیازهای انسان به دست چنین بندگان پاکی را زمینه‌ای برای تقویت ایمان قرار داده است.

۴. آسیب‌شناسی رابطه استمدادی

اشاره

ارتباط استمدادی، با وجود آثار فراوان، آفت‌هایی نیز دارد که برخی را از رسیدن به آثار ارتباطی با امامان معصوم (ع) محروم کرده یا به راه‌های انحراف کشانده است. در اینجا به اجمال به بیان آسیب‌ها و موانع می‌پردازیم:

الف) نداشتن درک درست از مقام امامان معصوم (ع)

خداوند، برای اینکه مقام تقرب پیامبران و ائمه اطهار(ع) نمایانده شود و دیگران با الگو گرفتن از این خاندان به سوی اعمال خیر تشویق شوند، به آنان ولایت تکوینی عطا فرمود. ائمه اطهار(ع) با این ولایت، می‌توانند کراماتی را حتی پس از مرگ، از خود ظاهر کنند. در این میان، برخی به دلیل نداشتن آگاهی و درک صحیح از جاودانگی روح انسان، به ویژه ارواح مطهر پیامبران و ائمه اطهار(ع)، منکر این مقام معنوی شده‌اند و توسل و استغاثه و طلب حاجت از آنان را کفر و شرک می‌دانند و با این عقیده، خود را از فیض معنوی بندگان پاک خداوند محروم کرده‌اند.

ب) اعتقاد به استقلال اولیای خدا در فیض‌رسانی

در برابر گروه پیشین، برخی نیز دچار افراط شده و در حق پیامبران و اهل بیت(ع) غلو می‌کنند و از روی نادانی معتقدند که پیامبران و امامان معصوم(ع) در فیض‌رسانی، به خود متکی‌اند؛ غافل از اینکه آنان واسطه‌ای برای رسیدن به فیض الهی‌اند و از خود هیچ استقلال و تدبیری ندارند و با اذن الهی می‌توانند شفا دهند یا دعایی را اجابت کنند. همچنان‌که خداوند در

قرآن، معجزه‌ها و کرامت‌های حضرت عیسی (ع) را به اذن خویش وابسته دانسته است:
 وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَ تُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي
 المائدة، ۱۱۰

و هنگامی که به اذن من از گل، چیزی به صورت پرنده می‌ساختی و در آن می‌دمیدی و به اذن من، پرنده‌ای می‌شد. و کور مادرزاد و مبتلا به بیماری پیسی را به اذن من شفا می‌دادی. و مردگان را به اذن من زنده می‌کردی.

ج) فریب‌کاری

برخی افراد مغرض یا سودجو برای فریب دادن افراد ساده‌دل و رسیدن به اهداف پلید خود، گاهی با برپایی مراسمی، مدعی می‌شوند که یکی از ائمه (ع) به آن مراسم توجه داشته و آن را پذیرفته است. آنان برای اثبات ادعای خویش، به آثار به‌جامانده از دست یا انگشت بر روی پرچم، پرده یا آتش‌نذری آن مراسم استناد می‌کنند. آنها با این ترفند در پی به دست آوردن آبرو و تقدس هستند تا بتوانند به اهداف و مطامع دنیوی خود دست یابند. از این

رو، باید هوشیار بود و هر ادعایی را نپذیرفت و دیگران را نیز در این باره راهنمایی کرد.

(د) عقیده به توسل بدون عمل صالح

توسل به امامان معصوم (ع)، در صورتی کارگشا و مفید است که انسان، گفتار خود را با عمل نیک و صالح همراه کند تا بدین وسیله آبرویی نزد آنان به دست آورد و گرنه تنها با تقاضای شفاعت، بدون عمل نیک، راه به جایی نمی‌برد. همچنان که علی (ع) در فرازی از دعای کمیل فرمود: «گناه، مانع اجابت دعاست».

(ه) ناامیدی پس از برآورده نشدن دعا

یکی دیگر از کج روی‌ها در این زمینه، ناامیدی نیازمندی است که پس از توسل به ائمه اطهار (ع) دعای آنان برآورده نشده است. این مسئله، گاه باعث سست شدن پایه‌های اعتقادی فرد می‌شود، در حالی که آن شخص به پیامدهای دعای خویش توجه ندارد. چه بسا برآورده شدن حاجت برای آن شخص، خیر و مصلحتی به دنبال نداشته باشد یا آلوده شدن به گناهی در پی آن باشد. بدین سبب، هر دعا و توسلی به اجابت نمی‌رسد؛ چنان که خداوند می‌فرماید:

وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲۱۶)

البقره، ۲۱۶

چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است؛ و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید.

(و) توسل، فقط هنگام گرفتاری

برخی فقط هنگام گرفتاری، به امامان معصوم (ع) توسل می‌جویند و پس از برآورده شدن حاجت خود، توجهی به آنها نمی‌کنند مگر آن که دوباره به مشکل و گرفتاری دچار شوند. چنین ارتباطی با ائمه (ع)، خود مانعی برای برآورده شدن دعاها بعدی و آفتی برای ادامه این ارتباط است.

فصل چهارم رابطه عهد و پیمان با اهل بیت (ع)

۱. منظور از رابطه عهد و پیمان

اشاره

منظور از این ارتباط، حضور آگاهانه بر مزار پاک آنان و تجدید عهد و پیمان با تعالیم و آموزه‌های زندگی ایشان و پای بند بودن به آن است. امام رضا(ع) در این باره فرمود:

برای هر امامی، عهد و پیمانی با شیعه وی است که وفای کامل به عهد و ادای نیکوی آن، زیارت قبور آنان است. پس کسی که آنان را با شوق و میل و تصدیق آنچه ائمه بدان تمایل داشته‌اند زیارت کند، (ایشان) شفاعت کننده وی در روز قیامت خواهند بود.

(۱)

حقیقت زیارت

در این باره، یکی از اندیشمندان اسلامی حقیقت زیارت را این گونه توصیف کرده است: زیارت، حضور عارفانه عاشق در دیار معشوق، دیدار عاشقانه زائر از سرای مزور، اظهار عشق و ارادت محب به محبوب، دل دادن صمیمانه دل داده در کوی دلدار، سر سپردن سرباز فداکار در پیش پای سردار، اعلان فروتنی دین دار در برابر دین و پیشوایان دینی و اذان ایمان و دین داری است. زیارت، عرضه خویشتن بر ترازو و ابزار سنجش است، ایستادن در برابر آینه و معیار کمال و نشانی کوی کمال به انسانِ تعالی طلب است که به کجا می توان رسید. زیارت، سفری مشتاقانه، آگاهانه و عاشقانه است که از سرای دل آغاز می شود، از راه دل عبور می کند و سرانجام نیز در منزل دل به مقصد و مقصود می رسد و بار بر زمین می نهد. (۱)

۲. شیوه های زیارت

اشاره

این گونه ارتباط به دو روش انجام می شود که در روایت ها نیز بر آن تاکید شده است:

۱- عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۱۷.

الف حضور در سر مزار ائمه (ع)

رسول خدا(ص) فرمود:

کسی که پس از مرگم به زیارتم بیاید، همانند آن است که در زمان حیاتم به دیدارم آمده باشد و کسی که قبرم را زیارت کند، در روز قیامت شفاعت او بر من واجب می‌شود. (۱)

در سخن دیگر، فرمود:

کسی که حج به جای آورد، ولی مرا زیارت نکند، [برای زیارت من به مدینه نیاید] به من جفا کرده است. (۲)

در ادامه، داستانی از بلال حبشی می‌آوریم:

وی پس از رحلت پیامبر(ص) در شام ساکن شد. شبی در عالم رؤیا پیامبر(ص) را به خواب دید که به او فرمود: ای بلال! این چه جفایی است که در حق من کرده و به زیارتم نمی‌آیی. بلال ترسان و پریشان از خواب برخاست و سوار بر مرکب شد و عزم مدینه کرد. وقتی نزد قبر پیامبر(ص) رسید، اشک از دیدگانش سرازیر شد. صورت خود را بر خاک قبر پیامبر(ص) گذاشت. در این هنگام حسن و حسین(ع)

۱- الغدير، ج ۵، ص ۱۰۴.

۲- علی متقی هندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۱۳۵.

نزدش آمدند. بلال آن دو را در بغل گرفت و بوسید. آن دو گفتند: ای بلال! دوست داریم اذانت را بشنویم. بلال شروع به اذان گفتن کرد. هنگامی که گفت: الله اکبر، مدینه به شدت بر خود لرزید و هنگامی که گفت: اشهد ان لا اله الا الله، مدینه به جنبش درآمد و وقتی که گفت: اشهد ان محمداً رسول الله، نوجوانان و همه مردم از خانه‌ها بیرون ریختند و گفتند: رسول خدا برانگیخته (دوباره زنده) شد. به علت شدت گریه زن و مرد، مدینه از آن روز گریان‌تر، به خود ندید. (۱)

فقیهان اهل سنت با استناد به آنچه گذشت، بر استحباب زیارت قبر پیامبر (ص) تأکید ورزیده‌اند.

ابوالحسن ماوردی، از فقیهان اهل سنت، می‌گوید:

هنگامی که سرپرست حجاج می‌خواهد آنها را بازگرداند، آنان را از راه مدینه برای زیارت قبر رسول خدا (ص) ببرد تا میان حج بیت‌الله و زیارت قبر رسول خدا و رعایت حرمت آن حضرت و قیام به حقوق طاعتش جمع نماید. اگر این کار از واجبات شرعی نباشد از مستحبات شرعی است و از عادات نیکوی حاجیان است؛ زیرا نافع از پسر عمر نقل

کرده است که پیامبر(ص) فرمود: کسی که قبرم را زیارت کند، شفاعتم بر او واجب می‌شود. (۱)

در روایات، علاوه بر زیارت قبر مطهر پیامبر(ص)، بر زیارت بارگاه دیگر ائمه(ع) نیز بسیار تأکید شده است. ابوعامر واعظ، اهل حجاز، می‌گوید:

روزی نزد امام صادق(ع) آمده و عرض کردم: برای زائر قبر امیرالمؤمنین(ع) چه ثوابی است؟ فرمود: ای ابوعامر! پدرم از پدرانش(و ایشان) از علی(ع) نقل کرده‌اند که پیامبر(ص) به وی فرمود: ای علی! به خدا سوگند! که در سرزمین عراق کشته شده و در همان جا دفن خواهی شد. گفتم: ای رسول خدا! ثواب کسی که قبور ما را زیارت کند و با رفت و آمد،(آنجا را) آباد کند، چیست؟ فرمود: ای ابوالحسن! همانا خداوند، قبر تو و فرزندان را مکانی والا از مکان‌های بهشت و صحنی از صحن‌های آن قرار داده است و قلوب افراد پارسا و برگزیده از بندگانش را به سوی شما متمایل ساخته است که در راه شما سختی‌ها و دشواری‌ها را تحمل کرده تا قبور شما را آباد کنند تا به خدا تقرب جویند و محبت خود را به رسول او نشان دهند. اینان به

زیارت قبور شما فراوان می‌شتابند. ایشان کسانی هستند که شفاعتشان خواهم کرد و بر سر حوض (کوثر) بر من وارد شده و روز قیامت زائران من هستند. ای علی! کسی که قبور شما را آباد کند و به آنجا رفت و آمد کند، همانند آن است که سلیمان بن داود را در ساختن «بیت المقدس» یاری کرده است و کسی که قبور شما را زیارت کند، معادل هفتاد حج مستحبی پاداش برایش منظور می‌شود و همانند روزی که از مادر متولد شده، وقتی از زیارت بازگردد، از گناهانش خارج می‌شود. (۱)

زیارت مرقد پیامبر (ص) و فرزندان پاکش، از مستحبات مؤکد دینی است که بی‌توجهی به آن، ترک ادب و جفای به آنان است. از این رو، عالمان دین، همواره به این امر توجه ویژه‌ای داشتند. در شرح حال امام خمینی گفته‌اند:

امام در طول مدت چهارده سالی که در نجف اشرف اقامت داشتند، هر شب سه ساعت بعد از غروب آفتاب، در تمام فصول سال به قصد زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) از منزل خارج می‌شدند و مسافت

بین خانه تا صحن مطهر را به طور پیاده در حدود هفت دقیقه طی می کردند. از در قبله وارد صحن شده و به حرم مشرف می شدند و پایین پای حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می ایستادند، زیارت «امین الله» را می خواندند و از پایین پا به پشت سر (حضرت) می رفتند و نماز زیارت و معمولاً زیارت «جامعه کبیره» را به طور نشسته می خواندند. (۱)

آداب زیارت

به حضور افراد پاک مشرف شدن و در محضر بزرگان دین و رهنمایان حق حاضر شدن، آداب و شرایطی دارد که در این قسمت، به مهم ترین آن اشاره می کنیم:

- پیش از زیارت، غسل کند تا از آلودگی های تن و روح پاکیزه شود؛
- ظاهرش را بیاراید و زیباترین و تمیزترین لباس را بر تن کند؛
- خود را خوش بو و معطر سازد؛
- با سکینه و وقار و فروتنی گام بردارد تا بدین وسیله، خدا و زیارت شونده را تعظیم کرده باشد؛

- به تهی‌دستان در حدّ توان تصدق کند؛

- هدف از زیارت، عبادت و تعظیم و تقدیس حق تعالی است، پس، همواره ذکر «الله اکبر» را تکرار کند و بهتر است، صد بار بگوید؛

- پس از فراغت از زیارت، دو رکعت نماز گزارد تا شکر حق را در توفیق به چنین کاری، یعنی تعظیم و تکریم نبی (ص) یا وصی او (ع) به جای آورده باشد و ثواب آن را به زیارت‌شونده هدیه کند. (۱)

ب) زیارت از راه دور

یکی دیگر از راه‌های ارتباط، ابراز ارادت، با درود و سلام فرستادن بر ایشان و خواندن زیارت‌نامه است. از پیامبر (ص) نقل شده است:

کسی نیست که بر من سلام کند، مگر اینکه خداوند روحم را به من باز می‌گرداند تا جوابش را بگویم. (۲)

در جای دیگر فرمود:

در روز جمعه، زیاد بر من صلوات بفرستید؛ زیرا صلوات شما بر من عرضه می‌شود. گفتند: ای

۱- محمدرضا مظفر، عقائد الامامیه، ص ۱۰۳.

۲- یحیی بن شرف الدین نووی، ریاض الصالحین، ص ۳۴۲.

رسول خدا! چگونه، در حالی که زیر خاک پوسیده و متلاشی شده‌ای؟ فرمود: خداوند پوسانیدن بدن مرا بر زمین حرام کرده است. خداوند بر زمین حرام کرد که اجساد انبیا را ببلعد [و نابود سازد]. (۱)

و فرمود:

زنده بودنم برای شما خیر است؛ زیرا با هم گفت و گو می‌کنیم و هر چه می‌خواهید می‌پرسید و مرگ من نیز برای شما خیر است؛ زیرا (پس از مرگم) اعمال شما بر من عرضه می‌شود. اگر کار شما، نیک بود، سپاس خدا را به جای می‌آورم و اگر کار شما ناشایست بود، برای شما طلب استغفار می‌کنم. پس (شما هم) هر گاه بر من صلوات می‌فرستید، نیکو بفرستید؛ زیرا اسم‌های شما و پدرانتان و سخنان و اعمالتان بر من عرضه می‌شود. (۲)

در روایت دیگری نقل شده است که حنان بن سدیر صیرفی بر امام صادق (ع) وارد شد. امام فرمود: ای حنان! آیا در هر ماه یک بار به زیارت قبر امام حسین (ع) می‌روی؟ گفت: نه. پرسید: در هر دو ماه چطور؟ گفت: نه. فرمود: در هر سال چطور؟ گفت: نه. امام فرمود: چه

۱- تفسیر کشف الاسرار، ج ۸، ص ۸۶.

۲- همان، ص ۸۵.

چیز سبب جفای شما بر آقایان شده است؟ ابن سدید گفت: ای فرزند رسول خدا! زاد و توشه‌ام کم و مسافتم تا قبر حسین (ع) دور است.

حضرت فرمود: آیا نمی‌خواهی زیارتی به تو نشان دهم که با دوری راه نیز پذیرفته شود؟

ابن سدید گفت: آری! چگونه او را با دوری مکانم زیارت نمایم؟

حضرت فرمود: در روز جمعه و یا هر روزی که خواستی غسل (زیارت) کن و پاکیزه‌ترین لباس را بپوش و به پشت‌بام خانه‌ات یا به سوی صحرا برو. آن‌گاه به قبله و جهتی که قبر (حسین (ع)) در آن است رو کن؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «به هر جهت رو آورید، وجه الله در آن جهت است» (۱). سپس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ ابْنَ سَيِّدِي السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ الشَّهِيدَ بَنَ الشَّهِيدِ وَ الْقَتِيلَ بَنَ الْقَتِيلِ ... (۲)

۳. آثار زیارت ائمه (ع)

زیارت ائمه هدی، آثار و برکات فراوانی برای مسلمانان به همراه دارد که به اجمال برمی‌شماریم:

۱- بقره: ۱۱۵.

۲- تفسیر کشف الاسرار، ج ۱۴، ص ۵۸۰.

- الف) عامل گسترش فرهنگ توحیدی و ولایت اهل بیت (ع) میان شیعیان؛
ب) زنده کننده سجایای اخلاقی ائمه (ع) و جهاد و تلاش آنان در راه حق؛
ج) عامل ایجاد اتحاد و دوستی میان مسلمانان سرزمین‌های گوناگون در یک مکان؛
د) ارتباط و پیوستگی جامعه مسلمانان با نسل‌های گذشته، به ویژه با پاکان امت؛
ه) استمرار حیات علمی و معنوی صاحبان کمال و رشد علمی و معنوی جامعه؛
و) منشأ قیام در برابر ستم و محل پیمان بستن جهادگران. (۱)

۴. آسیب‌شناسی ارتباط عهد و پیمان

اشاره

آسیب‌هایی که سلامت این نوع ارتباط را تهدید می‌کند، عبارت‌اند از:

الف) نداشتن معرفت به مقام امامان معصوم (ع)

نداشتن درک صحیح از مقام امامان معصوم (ع) در نزد خدا و تلاشی که آنان در راه اعتلای دین و

مکتب داشته‌اند، سبب محرومیت ارتباط حقیقی با امامان معصوم(ع) می‌شود. از این رو، در روایت‌ها بر زیارت با معرفت تأکید فراوان شده است.

امام صادق(ع) به هارون بن خارجه فرمود:

ای هارون هر کس به زیارت قبر حسین(ع) با شناخت حق او و برای رضای خدا و پاداش آخرت برود، خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را خواهد بخشید. (۱)

(ب) رفتار نابخردانه در سر مزار امامان معصوم (ع)

آفت دیگری که مانع کسب فیض از قبور امامان است و حتی گاه باعث زیر سؤال رفتن مکتب و مذهب می‌شود، کارهایی همچون حضور مختلط زن و مرد در کنار ضریح، هجوم آوردن به ضریح، به سجده افتادن در برابر ضریح یا سینه‌خیز رفتن به سوی ضریح، قفل زدن یا گره زدن به ضریح، خاک برداشتن از بقیع، و مانند آن است. این حرکات‌ها نه تنها تعظیم شعائر نیست، بلکه بهانه به دست مخالفان می‌دهد تا به پیروان اهل بیت(ع) تهمت بزنند و آنان را غالی و مشرک بخوانند.

ج) بی‌توجهی به اهداف زیارت

از دیگر آسیب‌های زیارت، غفلت از فرهنگ زیارت و بی‌توجهی به آداب آن و اشتباه گرفتن آن با سفرهای سیاحتی و مشغول شدن در بازارهای اماکن زیارتی و از دست دادن فرصت کسب بهره معنوی است.

کتابنامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۱. اثبات الهداء، محمد بن حسن حر عاملی، قم، انتشارات علمیه، بی تا.
۲. الاحکام السلطانیه، علی بن محمد ماوردی، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۶ ه. ق.
۳. ادب فنای مقربان، عبدالله جوادی آملی، چاپ دوم، قم، اسراء، ۱۳۸۱ ه. ش.
۴. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ه. ش.
۵. اهل البيت فی الكتاب و السنه، محمد محمدی ری شهری، چاپ دوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹ ه. ش.
۶. دفتر عقل و آیت عشق، غلامحسین ابراهیمی دینانی، چاپ دوم، تهران، نشر نو، ۱۳۸۲ ه. ش.
- ۷.

۸. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق.
۹. بحوث فی الملل و النحل، جعفر سبحانی، چاپ اول، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲ ه. ش.
۱۰. بر ستیغ نور، علی رفیعی، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۵ ه. ش.
۱۱. تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۲. تحریر الوسیله، روح الله [امام] خمینی، قم، اسماعیلیان، بی تا.
۱۳. ترجمه و شرح اصول کافی، سید جواد مصطفوی، چاپ چهارم، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
۱۴. تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، چاپ شانزدهم، قم، صدرا، ۱۳۶۸ ه. ش.
۱۵. تفسیر ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر دمشقی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ه. ق.
۱۶. تفسیر ارشاد عقل السلیم، محمد بن محمد ابی السعود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۷. تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی بروسوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۳۷ ه. ق.
۱۸. تفسیر فتح البیان، صدیق حسن خان قنوجی، بیروت، مکتب العصریه.
- ۱۹.

۲۰. تفسیر کشف، جارالله زمخشری، چاپ چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ ه. ق.
۲۱. تفسیر کشف الاسرار، رشید الدین ابوالفضل میبدی، تهران، امیرکبیر، بی تا.
۲۲. تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، چاپ اول، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۷ ه. ق.
۲۳. تفسیر مفاتیح الغیب، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ه. ق.
۲۴. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، چاپ بیست و چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ه. ش.
۲۵. تهذیب الاحکام، محمدبن حسن طوسی، چاپ اول، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۵ ه. ق.
۲۶. تهذیب التهذیب، احمد بن حجر عسقلانی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۲۷. ثواب الاعمال، محمدبن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، چاپ دوم، قم، منشورات شریف رضی، ۱۳۶۸ ه. ش.
۲۸. جاذبه و دافعه علی (ع)، مرتضی مطهری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۲۹. جامع الصغیر، جلال الدین سیوطی، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ه. ق.
- ۳۰.

۳۱. خصال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ه. ش.
۳۲. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، چاپ هفتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ ه. ش.
۳۳. الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ه. ق.
۳۴. در سایه آفتاب، محمد حسن رحیمیان، چاپ اول، قم، پاسدار اسلام، ۱۳۷۱ ه. ش.
۳۵. در محضر علامه طباطبائی، محمد حسین رخشاد، چاپ اول، قم، سماء، ۱۳۸۱ ه. ش.
۳۶. ریاض الصالحین، یحیی بن شرف الدین نووی، چاپ چهارم، بیروت، دار الکتب العربیة، ۱۴۲۱ ه. ق.
۳۷. زنده عشق، محمود شهابی، چاپ اول، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ ه. ش.
۳۸. شئون و اختیارات ولی فقیه، روح الله [امام] خمینی، چاپ اول، تهران، ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ه. ش.
۳۹. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۷ ه. ق.
۴۰. صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق.
۴۱. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری، چاپ اول، بیروت، دارالحديث، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۴۲.

۴۳. صحیفه امام، روح الله [امام] خمینی، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷ ه. ش.
۴۴. صحیفه نور، روح الله [امام] خمینی، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴ ه. ش.
۴۵. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیتمی، قاهره، میمنیه، بی تا.
۴۶. عقاید الامامیه، محمد رضا مظفر، شریف رضی، قم، بی تا.
۴۷. عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف مقدسی شافعی، چاپ اول، قاهره، مکتبه عالم الفکر، ۱۳۹۹ ه. ق.
۴۸. الغدیر، علامه امینی، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ه. ش.
۴۹. قواعد المرام، ابن میثم بحرانی، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۴ ه. ش.
۵۰. الكشف و البیان، احمد بن ابراهیم ثعلبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ه. ق.
۵۱. کمال الدین، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ه. ش.
۵۲. کنز العمال، علی متقی هندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق.
۵۳. کیمیای محبت، محمد محمدی ری شهری، چاپ دهم، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰ ه. ش.
- ۵۴.

۵۵. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین علی هیثمی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه. ق.
۵۶. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، چاپ پنجم، قم، صدرا، ۱۳۸۱ ه. ش.
۵۷. مختصر تاریخ دمشق، محمد بن مکرم بن منظور، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ه. ق.
۵۸. المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ه. ق.
۵۹. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، چاپ سوم، تهران، انتشارات اسوه، بی تا.
۶۰. المقنعه، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ه. ق.
۶۱. منتخب الاثر، لطف الله صافی، چاپ اول، بی جا، مطبعه السلام، ۱۴۲۲ ه. ق.
۶۲. میر مهر، مسعود پورسیدآقایی، چاپ اول، قم، حضور، ۱۳۸۲ ه. ش.
۶۳. نوادر الاخبار، محسن فیض کاشانی، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰ ه. ش.
۶۴. نور الثقلین، علی بن جمعه حویزی، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۶۵.

٦٦. وسائل الشيعة، محمد بن حسن حر عاملي، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤١٢ هـ. ق.

٦٧. وفاء الوفاء، نورالدين علي بن عبدالله بن احمد سمهودي، چاپ سوم، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠١ هـ. ق.

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

